



Moral and Behavioral Bases of Resistance in the Quran: A Comparative Study of Sunni and Shia Exegetical Traditions

Seyed Reza Mousavi

Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Gorgan Branch, Islamic
Azad University, Gorgan, Iran.
Email: r3131393@iau.ac.ir

Abstract

“Resistance” in the Holy Qur’an is a multidimensional concept rooted in the structure of faith, whose ethical and behavioral foundations play a fundamental role in the individual and collective stability of believers. Although exegetical works of both Shiite and Sunni traditions have paid attention to the relevant verses, a comparative clarification of these foundations still requires a systematic study. This research aims to extract and comparatively analyze the ethical and behavioral foundations of resistance based on Shiite and Sunni exegetical traditions. The study employs a descriptive-analytical method with a comparative approach, and its data were collected through library research. The findings indicate that, in both schools, the ethical and behavioral foundations of resistance rest on four pillars: patience, prayer, steadfastness, and adherence (i’tisam). The difference between the two traditions is mainly evident in the interpretive scope: in Shiite exegesis, resistance is linked to the concept of wilayah and the guidance of the Ahl al-Bayt (peace be upon them), whereas Sunni interpretations place greater emphasis on monotheism, absolute obedience, and social cohesion. Ultimately, both perspectives regard Qur’anic resistance as an ethical-spiritual process whose realization is impossible without these foundational elements.

Keywords: resistance, the Holy Qur’an, exegetical traditions, Shiite and Sunni traditions, ethical foundations.



الأسس الأخلاقية والسلوكية للمقاومة في القرآن الكريم (دراسة مقارنة للروايات التفسيرية عند الفريقين)

سيد رضا موسوي

أستاذ مساعد، قسم الدراسات الإسلامية، فرع جرجان، جامعة آزاد الإسلامية، جرجان، إيران.

البريد الإلكتروني: r3131393@iaua.ac.ir

الملخص

تُعَدُّ «المقاومة» في القرآن الكريم مفهوماً متعدد الأبعاد، متجذراً في الهوية الإيمانية، وتؤدي أسسها الأخلاقية والسلوكية دوراً جوهرياً في الاستقرار الفردي والجماعي للمؤمنين. وعلى الرغم من اهتمام تفاسير الفريقين بالآيات ذات الصلة، إلا أن التبيين المقارن لهذه الأسس يستدعي بحثاً متماسكاً. يهدف هذا البحث إلى استخراج الأسس الأخلاقية والسلوكية للمقاومة وتحليلها تحليلاً مقارناً بناءً على الروايات التفسيرية لدى الشيعة وأهل السنة. اعتمد البحث المنهج الوصفي التحليلي بأسلوب المقارنة، وطريقة جمع البيانات مكتبية. أظهرت النتائج أن الأسس الأخلاقية والسلوكية للمقاومة في كلا المدرستين تركز على أربعة أركان: «الصبر»، و«الصلاة»، و«الاستقامة»، و«الاعتصام». ويتمثل تفاوت الفريقين بشكل أساسي في النطاق التفسيري؛ إذ يربط الشيعة مفهوم المقاومة بقضية الولاية وهداية أهل البيت (عليهم السلام)، بينما يركز أهل السنة على محاور التوحيد، والطاعة المحضة، والانسجام الاجتماعي. وفي الختام، يرى كلا المنظورين أن المقاومة القرآنية عملية أخلاقية تعبدية لا يمكن تحقيقها دون الأركان المذكورة.

الكلمات المفتاحية: المقاومة، القرآن الكريم، الروايات التفسيرية، الفريقين، الأسس الأخلاقية.

مبانی اخلاقی، رفتاری مقاومت در قرآن کریم

(مطالعه تطبیقی روایات تفسیری فریقین)

سید رضا موسوی

استادیار گروه معارف اسلامی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

r3131393@iaui.ac.ir

چکیده

«مقاومت» در قرآن کریم مفهومی چندبُعدی و ریشه‌دار در هویت ایمانی است که مبانی اخلاقی، رفتاری آن نقشی بنیادی در ثبات فردی و جمعی مؤمنان دارد. با وجود توجه تفاسیر فریقین به آیات مرتبط، تبیین تطبیقی این مبانی نیازمند پژوهشی منسجم است. این تحقیق با هدف استخراج و تحلیل تطبیقی مبانی اخلاقی، رفتاری مقاومت براساس روایات تفسیری شیعه و اهل سنت انجام شده است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی با رویکرد مقایسه‌ای و شیوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای است. یافته‌ها نشان داد که مبانی اخلاقی، رفتاری مقاومت در هر دو مکتب بر چهار رکن «صبر»، «نماز»، «استقامت» و «اعتصام» استوار است. تفاوت فریقین عمدتاً در قلمرو تفسیری جلوه‌گر شده است؛ شیعه مفهوم مقاومت را با مسئله ولایت و هدایت اهل بیت علیهم‌السلام پیوند می‌زند، در حالی که اهل سنت بر محورهای توحید، طاعت محض و انسجام اجتماعی تمرکز دارد. در نهایت، هر دو دیدگاه مقاومت قرآنی را فرآیندی اخلاقی-عبادی می‌دانند که تحقق آن بدون ارکان یادشده امکان‌پذیر نیست.

واژگان کلیدی: مقاومت، قرآن کریم، روایات تفسیری، فریقین، مبانی اخلاقی.

مقدمه

مفهوم «مقاومت» در قرآن کریم نه تنها یک واکنش موقعیتی، بلکه یکی از ارکان بنیادین هویت ایمانی و سازوکاری راهبردی برای پایداری جامعه مؤمنان در برابر انحرافات فکری، تهدیدات بیرونی و فشارهای روانی - اجتماعی است. مبانی اخلاقی - رفتاری این مفهوم، حلقه وصل باور دینی با عمل جمعی را شکل می‌دهند و از طریق تقویت اراده، انسجام درونی و مدیریت بحران، زمینه‌ساز تداوم حیات طیبه در بستر چالش‌ها می‌گردند. با وجود حضور گسترده و عمیق این مبانی در آیات قرآن و بازتاب آن در روایات تفسیری فریقین (شیعه و اهل سنت)، تاکنون تحلیل تطبیقی منسجمی که بتواند ساختار اخلاقی - رفتاری مقاومت را با تکیه بر منابع حدیثی مشترک و متمایز تبیین کند، صورت نگرفته است.

مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که مبانی اخلاقی رفتاری مقاومت در قرآن، مبتنی بر روایات تفسیری فریقین، کدام‌اند و چگونه در قالب مفاهیمی همچون صبر (به مثابه مدیریت هیجانات و استمرار در مسیر حق)، استقامت (به عنوان ثبات قدم در التزام به ارزش‌ها) و وحدت (به مثابه همبستگی اجتماعی در برابر تفرقه افکنی) ساختار عملی مقاومت را می‌سازند. در حالی که بیشتر پژوهش‌های پیشین با رویکردی تاریخی، سیاسی یا جامعه‌شناختی به موضوع مقاومت نگریسته‌اند، خلأ یک تحلیل نظام‌مند و تطبیقی از مبانی اخلاقی - رفتاری آن بر مبنای روایات تفسیری دو مکتب کلامی -

فقهی عمده اسلامی همچنان احساس می‌شود. این تحقیق می‌کوشد با ارائه چارچوبی مستند، میان‌رشته‌ای و مقایسه‌ای، این شکاف معرفتی را جبران کند. آیات قرآن مبانی یادشده را در قالب توصیه‌های اخلاقی، الگوهای رفتاری پیامبران و امت‌های پیشین، و نیز هشدارهای اجتماعی بیان کرده‌اند، اما نبود یک الگوی تطبیقی مشترک میان مفسران و محدثان فریقین، باعث پراکندگی فهم‌ها و گاه تفسیرهای غیرهمسواز یک مبنای واحد شده است. ضرورت پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که روایات تفسیری - به دلیل پیوند با سنت نبوی و امامان معصوم (در نگاه شیعه) یا صحابه و تابعین (در نگاه اهل سنت) - امکان تبیین مستند، زمینه‌مند و مقایسه‌پذیر از مبانی اخلاقی مقاومت را فراهم می‌آورند، و بررسی تطبیقی دیدگاه‌های شیعه و اهل سنت درباره مفاهیمی چون صبر، استقامت و وحدت می‌تواند ضمن آشکارسازی نقاط اشتراک و افتراق، به نظریه‌پردازی بومی‌تر و کارآمدتر در حوزه مقاومت دینی بینجامد.

براین اساس، پرسش اصلی پژوهش چنین صورتبندی می‌شود: مبانی اخلاقی-رفتاری مقاومت در قرآن، براساس روایات تفسیری فریقین، کدام‌اند و چگونه تبیین می‌شوند؟ و در قالب سه پرسش فرعی به دنبال آن هستیم:

ساختار و محتوای روایات تفسیری شیعه درباره «صبر و استقامت» در نسبت با مقاومت چگونه است؟ ساختار و محتوای روایات تفسیری اهل سنت درباره «وحدت و همبستگی اجتماعی» در بستر مقاومت چگونه است؟ نقاط اشتراک و افتراق میان دیدگاه‌های فریقین در این مبانی چیست و چه نسبتی با یکدیگر دارند؟



الف. مفاهیم تحقیق

«مقاومت» در قرآن مفهومی الهی پیوند خورده با صبر و استقامت است؛ آیات «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا» (آل عمران: ۲۰۰) و «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» (هود: ۱۱۲) بر این معنا تأکید دارند. ریشه «قوم» ثبات و استمرار را نشان می‌دهد (زبیدی، بی‌تا، ج ۱۷، ص ۹۲؛ ابن اثیر، ۱۴۱۸، ص ۴، ص ۱۲۵). ابن مسکویه صبرا «مقاومة النفس الهوى» دانسته است (ابن عربی، ۱۴۲۱، ص ۱۰۲) و در فقه، مقاومت در «جهاد دفاعی» تحلیل می‌شود (مشکینی، بی‌تا، ص ۲۴۵). آیات «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا...» (بقره: ۲۵۰) و «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ...» (حج: ۴۰) استمرار ایمانی مقاومت را بیان می‌کنند. «مبانی اخلاقی-رفتاری» به پرورش درونی و التزام عملی مربوط اند و «روایات تفسیری» پیامبر ﷺ، اهل بیت علیهم السلام و صحابه (فریقین) مبنای این تحلیل اند.

ب. مبانی اخلاقی، رفتاری

مبانی اخلاقی-رفتاری مقاومت در قرآن بر تربیت درونی و التزام عملی استوار است. این مبانی با تقویت صبر، سامان دادن رفتار مؤمنانه و ایجاد انسجام جمعی، استقامت را از واکنشی مقطعی به پایداری سنجیده و منضبط تبدیل کرده و توان فرد و جامعه را برای ایستادگی در مسیر حق افزایش می‌دهند.

۱. صبر، پشتوانه روانی-اخلاقی و عنصر محوری استقامت

صبر در منطق قرآن بنیادی‌ترین نیروی روانی و اخلاقی برای حرکت در مسیر

حق و ایستادگی در برابر جریان های باطل است و علاوه بر یک فضیلت فردی، سازوکار راهبردی مقاومت اجتماعی نیز به شمار می رود. قرآن آن را شرط پیروزی و معیار استواری معرفی می کند؛ چنان که می فرماید: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (بقره: ۴۵؛ نیز: ۱۵۳)، و «وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال: ۴۶). «معیت الهی» در این آیات، صبر را به پشتوانه ای روحی برای پایداری تبدیل می کند. در آیه «إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضْرِبْكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا» (آل عمران: ۱۲۰)، صبر عامل بی اثر شدن فشار دشمن معرفی شده و آیه «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ...» (بقره: ۲۴۹) امکان پیروزی اقلیت مؤمن را مشروط به آن می داند. قرآن در تربیت شخصیت مقاوم نیز صبر را عامل استحکام اراده برمی شمرد: «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً... لَمَّا صَبَرُوا» (سجده: ۲۴)، و در آیه «وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ» (نحل: ۱۲۷)، آن را نیرویی الهی می خواند. در سطح اجتماعی، صبر ستون پایداری امت است: «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۵)، و الگوی پیامبران در آیه «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرُ الْأُولُو الْعَزْمِ» (احقاف: ۳۵). بر همین اساس، امام خامنه ای صبر را عنصر راهبردی پیشرفت ملت ها دانسته اند (خامنه ای، ۱۳۹۱/۴/۴).

در تفسیر شیعه، بحرانی در البرهان، ذیل آیه «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»، روایات عیاشی (۱۳۸۰: ۶۸/۱) را نقل کرده و صبر را فراتر از تحمل، شامل پرهیز از حرام، حفظ امانت و ترک ریاست باطل دانسته است (بحرانی، ۱۴۱۵، ص ۱، ص ۳۵۷). وی همچنین صبر را تحمل مصیبت و شکیبایی در مسیر پاداش می خواند (همان؛ نیز: فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱۲۶/۱؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۷۶؛

قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۱۹۶؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۵۴. فیض کاشانی در الصافی (۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۲۶) با نقل روایات کافی، فقیه و عیاشی، صبرا «صوم» دانسته و آن را ابزار تقویت اراده و مهار نفس معرفی می‌کند؛ همچنین به پناه‌بردن امیرالمؤمنین علیه السلام به نماز در سختی‌ها اشاره دارد.

در سنت اهل سنت، ابن‌کثیر در تفسیر القرآن العظیم، صبر و نماز را «دو ابزار راهبردی مقاومت» دانسته و صبرا «حبس نفس بر طاعت» معرفی می‌کند (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۵۵-۱۵۷؛ نیز: ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۰۲؛ ثعالبی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۳۱-۲۳۲؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۱، ص ۱۶۰). طبری نیز در جامع‌البیان، صبر و نماز را راهبرد پایداری بر عهد الهی می‌خواند و آن را ویژه خاشعین می‌داند (طبری، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۰۵).

۲. پایبندی به دستور الهی؛ بنیاد استقامت و پایداری در مسیر حق

پایبندی به دستور الهی، بنیادی‌ترین مبنای مقاومت در منطق قرآن کریم است؛ زیرا ایمان حقیقی، معیار رفتار را از تمایلات شخصی و فشارهای بیرونی به فرمان الهی منتقل می‌سازد و استقامت را به تکلیفی اخلاقی - سیاسی تبدیل می‌کند. صریح‌ترین دستور الهی به استقامت در آیه «فَاسْتَقِمُّوا کَمَا أُمِرْتُمْ...» (هود: ۱۱۲) آمده که نشان می‌دهد پایداری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و جامعه مؤمن برخاسته از اطاعت الهی است، نه امیال فردی. همین فرمان در شوری: ۱۵ نیز تکرار شده و هرگونه

پیروی از هوا را برابر با خروج از مسیر مقاومت می‌شمرد. آیات دیگری این اصل را تقویت می‌کنند، مانند: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا...» (فصلت: ۳۰؛ نساء: ۶۶) که استقامت را سبب نزول ملائکه می‌داند، و آیه انفال: ۴۶ که اطاعت را شرط انسجام جمعی معرفی می‌کند. بدین سان، فرمان الهی موتور محرک مقاومت و استقامت، ثمره عبودیت است و جامعه‌ای که رفتار خود را بر اراده الهی بنا کند، در برابر تهدید، تطمیع و فشار روانی استکبار دچار تردید نمی‌شود و استقامت را به کنش جمعی پایدار تبدیل می‌کند.

در روایات نورالثقلین ذیل آیه «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ...»، استقامت به عنوان «پایبندی عملی و مستمر به توحید و هدایت» معرفی شده است (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۵۴۶-۵۴۸)؛ امری که بنیان مقاومت درونی و بیرونی مؤمن در برابر سلطه جویی است. گزارش‌های بصائر الدرجات و الخرائج همراهی فرشتگان با اولیای الهی را تبیین کرده و روایات کافی، تفسیر اهل البيت (علیهم‌السلام) و تفسیر علی بن ابراهیم، استقامت را «ثبات بر کتاب، سنت و عبادت صحیح» دانسته‌اند. در نهج البلاغه نیز امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) آن را «نگه داشتن مسیر حق» معرفی کرده و در مجمع البیان آمده است که پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) فرمودند: «بسیاری گفتند ربنا الله، ولی پایدار نماندند». امام رضا (علیه‌السلام) نیز بر تداوم عملی آن تأکید کرده‌اند. این روایات، ثمره نهایی استقامت را نزول فرشتگان «عند الموت» و بشارت «أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا» دانسته‌اند. منابعی چون نورالثقلین (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۵۴۶-۵۴۸)، بصائر الدرجات (صفار، ۱۴۰۴، ص ۹۱)، کافی (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۲۰)، تفسیر

علی بن ابراهیم، نهج البلاغه (شریف رضی، ۱۴۰۷، ص ۲۵۳)، مقاتل (۱۴۲۳)، ج ۲، ص ۳۰۰)، قمی مشهدی (۱۳۶۸، ج ۶، ص ۲۵۰) و فیض کاشانی (۱۴۱۵)، ج ۲، ص ۴۷۵؛ ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۱۱۶؛ حسیبی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۵۴۶-۵۴۷؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۷۸۹) همگی استقامت را «سلوک پایدار مقاومت» و پیوند خورده با امنیت الهی می دانند.

در منابع اهل سنت، ابن کثیر استقامت را «پایداری بی انحراف بر توحید» و عامل ثبات در برابر تهدیدها معرفی می کند (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۵۵-۱۵۷). طبری آن را «وفاداری مداوم به عهد الهی و منع نفس از هوا» دانسته است (طبری، ۱۴۰۸/۱: ۲۰۵). سیوطی نیز در الدر المنثور، بر اساس نقل ترمذی، نسائی، بزار، ابویعلی، ابن جریر، ابن ابی حاتم، ابن عدی و ابن مردویه، استقامت را «ثبات عملی بر توحید و فرائض» تفسیر کرده است (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۳۶۴؛ رک: طبری، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۷۵؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۵، ص ۴۲۹؛ جرجانی، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۵۴۶).

۳. وحدت و همبستگی؛ اصل رفتاری و اجتماعی در فرآیند مقاومت

وحدت و همبستگی اجتماعی از اصول بنیادین تمدن ساز در قرآن و سنت نبوی است؛ انسانی که بنابر دیدگاه ابن خلدون «مدنی بالطبع» است، تنها در پرتو تعاون و همکاری جمعی حیات می یابد. از این رو قرآن، وحدت را فریضه ای الهی و شرط بقای جامعه ایمانی دانسته و تفرقه را عامل سقوط و فرسایش توان جمعی

معرفی می‌کند. آیه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳؛ حجرات: ۱۰) مؤمنان را به تمسک جمعی به «حبل الله» و ترک پراکندگی فرامی‌خواند و آیه «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا...» (انفال: ۴۶) پیامد تفرقه را زوال قدرت بیان می‌کند. همچنین قرآن فلسفه بعثت پیامبران را جلوگیری از اختلاف معرفی کرده است: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً...» (بقره: ۲۱۳) و رسالت آنان را بر محور «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا» (شوری: ۱۳) سامان داده است. علامه طباطبایی شمول این فرمان را ناظر به همه اعصار می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸، ص ۳۰). مناسکی چون جمعه، جماعت، حج و امر به معروف کارکرد وحدت بخش دارند؛ چنان که آیه «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ... صَفًّا» (صف: ۴) وحدت سازمان یافته را شرط نصرت الهی می‌داند.

در تفسیر فرات کوفی، آیه «وَأَعْتَصِمُوا...» بنیاد انسجام و مقاومت دانسته شده و پیامبر ﷺ را مصداق «حبل الله» معرفی کرده‌اند: «أنا نبي الله و عليّ حبله» (کوفی، ۱۴۱۰، ص ۹۰-۹۱). امام باقر ﷺ نیز ولایت علی ﷺ را «الحبل الذي من تمسك به...» خوانده و در تفسیر عیاشی، امام کاظم ﷺ «علی بن ابی طالب» را «حبل الله المتين» و امام باقر ﷺ «آل محمد ﷺ» را ريسمان اعتصام جمعی دانسته‌اند (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۹۵؛ رک: ابوحزمه ثمالی، ۱۴۲۰، ص ۱۳۸). سیوطی در الدر المنثور، روایات ابن مسعود، سعید بن منصور، ابن ابی شیبہ، ابن جریر، ابن المنذر و طبرانی را نقل کرده که «حبل الله» را قرآن، جماعت، طاعت، اخلاص، عهد الهی و اسلام دانسته‌اند (سیوطی، ۱۴۰۴: ۶۱/۲). به گفته او،

اعتصام به قرآن و وحدت، بنیان اخلاقی-رفتاری استقامت جامعه است. طبرانی نیز با نقل از مقاتل (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۲، ص ۱۰۰) واقعه اوس و خزرج را نمونه نقش ترک تفرقه در مهار بحران می‌داند. مفسران، «حبل الله» را دین، قرآن، جماعت و اسلام تفسیر کرده‌اند و در احادیث نبوی، قرآن «حبل الله المتین» و «نور مبین» خوانده شده است. همچنین «الجماعة» فرقه نجات یافته معرفی شده و ترک شرک، اعتصام جمعی و اطاعت از رهبری مشروع محبوب خدا دانسته شده است (همان). بدین سان «اعتصام» و «وَلَا تَفَرَّقُوا» ساختار مقاومت درونی و بیرونی امت را شکل می‌دهند و جامعه را در برابر فتنه و سلطه جویی پایدار می‌سازند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۶۱؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۲، ص ۱۰۰؛ صنعانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۳۴؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۷۲۴).

نتیجه‌گیری

مبانی اخلاقی-رفتاری مقاومت در قرآن کریم، براساس گزارش‌های تفسیری شیعه و اهل سنت، بر چهار محور اصلی صبر، نماز، استقامت و اعتصام استوار است. بررسی تطبیقی تفاسیر فریقین نشان می‌دهد که هر دو مکتب این مفاهیم را صرفاً آموزه‌های عبادی یا اخلاق فردی نمی‌دانند، بلکه آن‌ها را پایه‌های مقاومت در سطح فردی و اجتماعی تلقی می‌کنند. صبر در هر دو دیدگاه نیروی مهارکننده نفس و عامل پایداری در برابر فشارهای درونی و بیرونی است. نماز نیز به عنوان پناهگاه معنوی و عامل آرامش در بحران‌ها معرفی شده و سیره پیامبر ﷺ در پناه بردن به نماز، الگویی از مقاومت معنوی دانسته شده است. استقامت استمرار

عملی ایمان و پایداری برحق به شمار می‌آید و اعتصام و پرهیز از تفرقه، اساس انسجام اجتماعی و مقاومت جمعی معرفی می‌شود.

با وجود این اشتراکات، تفاوت‌هایی در تبیین معنای این مفاهیم دیده می‌شود. در تفسیر صبر، روایات شیعه علاوه بر معنای اخلاقی، آن را به صوم نیز تفسیر کرده و شامل ترک ریاست‌های باطل و پذیرش حق دانسته‌اند؛ در حالی که مفسران اهل سنت بیشتر بر حبس نفس بر طاعت و تحمل در برابر معصیت تأکید دارند. در تفسیر استقامت نیز تفاسیر شیعی آن را با ولایت و هدایت اهل بیت علیهم‌السلام پیوند می‌دهند، در حالی که تفاسیر اهل سنت بر توحید، انجام فرائض و ترک شرک تمرکز دارند. در تفسیر «حبل الله» نیز شیعه آن را قرآن همراه با ولایت و اهل بیت علیهم‌السلام می‌داند، اما در تفاسیر اهل سنت به قرآن، جماعت، عهد الهی یا دین اسلام تفسیر شده است. در مجموع، هر دو مکتب مقاومت را فرآیندی اخلاقی، عبادی و اجتماعی می‌دانند که تحقق آن در گرو صبر، نماز، استقامت و اعتصام است.



منابع و مأخذ

۱. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، محقق: طیب، اسعد محمد، ریاض: مكتبة نزار مصطفى الباز.
۲. ابن اثیر (۱۴۱۸ق)، النهایة فی غریب الحديث، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۳. ابن عربی، محیی الدین بن عربی (۱۴۲۱ق)، تهذیب الاخلاق (مجموعه رسائل ابن عربی)، بیروت: دار المحجة البيضاء.
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، محقق: شمس الدین، محمد حسین، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
۵. ابو حمزه ثمالی، ثابت بن دینار (۱۴۲۰ق)، تفسیر القرآن الکریم، تنظیم: حرزالدین، عبدالرزاق محمد، بیروت: دار المفید.
۶. امام خامنه ای، بیانات مقام معظم رهبری، ۴/۴/۱۳۹۱، <https://khl.ink/f/20076>، (بیانات در دیدار شرکت کنندگان در مسابقات بین المللی قرآن کریم).
۷. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، محقق: بنیاد بعثت، واحد تحقیقات اسلامی، قم: موسسه البعثة، قسم الدراسات الإسلامية.
۸. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۸ق)، تفسیر الثعالبی المسمی...، محقق: عادل احمد عبدال موجود و دیگران، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۹. جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن (۱۴۳۰ق)، درج الدرر فی تفسیر القرآن

- العظیم، محمد امین ادیب شکور، طلعت صلاح فرحات، اردن-عمان: دار الفكر.
۱۰. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، مصحح: رسولی، هاشم، قم: اسماعیلیان.
۱۱. زبیدی، محمد مرتضی (بی تا)، تاج العروس، بیروت: مكتبة الحياة.
۱۲. السعدی، عبد الرحمن بن ناصر (۱۴۲۱ق)، تیسیر الکرم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، تحقیق: عبد الرحمن بن معلا اللویحق، الرياض: دار ابن الجوزی.
۱۳. سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۰۷ق)، نهج البلاغة (صبحی الصالح)، محقق: صالح، صبحی، قم: مؤسسة دار الهجرة.
۱۴. سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۱۵. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات، مصحح: کوچه باغی، محسن بن عباس علی، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۱۶. صنعانی، عبد الرزاق بن همام (۱۴۱۱ق)، تفسیر القرآن العزیز (تفسیر عبد الرزاق)، بیروت: دار المعرفة.
۱۷. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۸. طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م)، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم، اربد: دار الكتاب الثقافی.

۱۹. طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۸ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار الفکر.
۲۰. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، تفسیر العیاشی، محقق: رسولی، هاشم، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
۲۱. فیض کاشانی (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، مقدمه و تصحیح: اعلمی، حسین، تهران: مکتبه الصدر.
۲۲. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۸ق)، الأصفی فی تفسیر القرآن، محمدرضا نعمتی و محمد حسین درایتی، قم: مرکز النشر التابع لمکتب الإعلام الإسلامی.
۲۳. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸ش)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محقق: حسین درگاهی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳ش)، الکافی، مصحح: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۵. کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق)، تفسیر فرات الکوفی، محقق: کاظم، محمد، تهران: وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامی.
۲۶. مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، محقق: شحاته، عبدالله محمود، بیروت: دار إحياء التراث العربی.